

تحریک سبّابه در تشهد

مؤلف:

سید زکریا حسینی

عنوان کتاب:

تحریک سیّابه در تشهد

نویسنده:

سید زکریا حسینی

موضوع:

فقه و اصول - احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

شهریور (سنبله) ۱۳۹۶ ه.ش - ذوالحجّة ۱۴۳۸ ه.ق

منبع:

کتابخانه قلم www.qalamlib.com



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

www.qalamlib.com

book@qalamlib.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.qalamlib.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

أ.....	فهرست مطالب
۱.....	پیشگفتار
۳.....	دلایل تکان دادن انگشت سبّابه هنگام تشهد
۱۱.....	دلایل تکان ندادن انگشت سبّابه هنگام تشهد
۱۷.....	زمان اشاره کردن با انگشت سبّابه در تشهد
۲۰.....	فهرست منابع و مآخذ

پیش‌گفتار

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ونشهد أن محمداً عبده ورسوله.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِءَ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

«ای مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت. و از (خشم) خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید؛ و بپرهیزید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صلہ رحم را نادیده گیرید)، زیرا که بی‌گمان خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از دیده او پنهان نمی‌ماند)».

و اما بعد:

در مورد حرکت دادن انگشت سبابه هنگام تشهد احادیثی داریم که در ظاهر مخالفند؛ چرا که در روایتی آمده که پیامبر ﷺ انگشتش را تکان نمی‌دادند و در روایتی دیگر هم آمده که ایشان ﷺ آن را تکان می‌دادند؛ لذا ما قصد داریم که به بررسی احادیث آن‌ها بپردازیم تا بتوانیم آنچه که حق می‌باشد را بیان نماییم و از خداوند ﷻ هم درخواست داریم که به بنده توفیق عنایت فرماید تا بتوانیم بدون تعصب به بررسی آن بپردازیم و دیگران

را هم بتوانیم به نظر حق راهنمایی کنیم و ما را امام متقیان قرار دهد که:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴].

«و (بندگان خدای رحمان) کسانی که می‌گویند: پروردگارا! همسران و فرزندان به ما عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (به گونه‌ای که در صالحات و حسنات به ما اقتداء و از ما پیروی نمایند)».

و پدر و مادر و استادان و سایر مؤمنان را روز قیامت مورد مغفرت خویش قرار دهد و در جنات فردوس منزل نماید. آمین یا رب العالمین

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

دلایل تکان دادن انگشت سبّابه هنگام تشهد

اما دلایلی که در مورد تحریک انگشت سبابه در تشهد به آن استناد شده عبارتند از:

دلیل اول) امام نسایی رحمته الله روایت می‌کند:

أَخْبَرَنَا سُؤَيْدُ بْنُ نَصْرٍ قَالَ: أَنْبَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ، عَنِ زَائِدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ كُلَيْبٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، أَنَّ وَائِلَ بْنَ حُجْرٍ، أَخْبَرَهُ قَالَ: «قُلْتُ: لِأَنْظُرَنَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ يُصَلِّي، فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ ... ثُمَّ قَبَضَ اثْنَتَيْنِ مِنْ أَصَابِعِهِ، وَحَلَقَ حَلَقَةً، ثُمَّ رَفَعَ إصْبَعَهُ، فَرَأَيْتُهُ يُحَرِّكُهَا يَدْعُو بِهَا».

وائل بن حجر رحمته الله می‌گوید: روزی با خودم گفتم باید به نماز رسول الله صلی الله علیه و آله نگاه کنم، ببینم چطور نماز می‌خواند؛ لذا به وی نگاه می‌کردم ... و در تشهد دوتا از انگشتانش را حلقه کرد و سپس انگشت سبّابه‌اش را بلند نمودند؛ و دیدم که آن را تکان می‌دادند و همراه تکان دادنش دعا می‌کردند. رجال این حدیث همگی «ثقة» می‌باشند و از نظر رجالی مشکلی ندارند، اما این روایت شاذ می‌باشد، چرا که همین حدیث را ثقات و اثباتی از «... عاصم بن کلیب از کلیب از وائل بن حجر» روایت کرده‌اند که عبارتند از:

۱- نسایی (ش ۸۸۹ و ۱۲۶۸) / دارمی، سنن (ش ۱۳۵۷) / ابن الجارود، المنتقی (ش ۲۰۸) / ابن حبان (ش ۱۸۶۰) / ابن خزیمه (ش ۷۱۴) / احمد (ش ۱۸۸۷۰) / معجم الکبیر (ج ۲۲ ص ۳۵) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۹).

«شعبة بن الحجاج^۱، سفیان ثوری^۲، بشر بن المفضل^۳، ابوالاحوص سلام بن سلیم^۴، سفیان بن عیینه^۵، محمد بن فضیل^۶، خالد بن عبدالله^۷، عبدالواحد بن زیاد^۸، عبدالله بن ادريس^۹، ابو عوانه وضاح بن عبدالله^{۱۰}، موسی بن عائشه^{۱۱}، موسی بن ابی کثیر^{۱۲}، قیس بن ربیع^{۱۳} و زائده بن قدامة^{۱۴}».

-
- ۱- ابن خزیمه (ش ۶۹۸) / احمد (ش ۱۸۸۵۵) / معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۵) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۷).
 - ۲- عبدالرزاق (ج ۲ ص ۶۸) / نسایی (ش ۱۱۵۹ و ۱۲۶۳ و ۱۲۶۴) / احمد (ش ۱۸۸۵۸ و ۱۸۸۷۷) / معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۳ و ۳۴ و ۳۶) / حمیدی، المسند (ش ۸۸۵).
 - ۳- ابوداود (ش ۷۲۶ و ۹۵۸) / نسایی (ش ۱۲۶۵) / بزار (ش ۴۴۸۵).
 - ۴- طیالسی، المسند (ش ۱۱۱۳) / طحاوی، شرح معانی الآثار (ج ۱ ص ۲۵۹) / معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۴).
 - ۵- دارقطنی (ج ۱ ص ۲۹۰).
 - ۶- ابن خزیمه (ش ۷۱۳).
 - ۷- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۵).
 - ۸- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۶۱۷).
 - ۹- ابن ماجه (ش ۹۱۲) / ابن خزیمه (ش ۷۱۳) / ابن حبان (ش ۱۹۴۵) / ابن الجارود، المنتقی (ش ۲۰۲) / ابن ابی شیبه (ج ۲ ص ۳۶۹).
 - ۱۰- معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۸).
 - ۱۱- بزار (ش ۴۴۸۹) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۷).
 - ۱۲- معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۷).
 - ۱۳- معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۳).
 - ۱۴- نسایی (ش ۸۸۹ و ۱۲۶۸) / دارمی (ش ۱۳۵۷) / ابن حبان (ش ۱۸۶۰) / ابن خزیمه (ش ۷۱۴) / احمد (ش ۱۸۸۷۰) / ابن الجارود، المنتقی (ش ۲۰۸) / معجم الكبير (ج ۲۲ ص ۳۵) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۹).

و تنها زائده بن قدامة این لفظ «يُحْرَكُهَا» را آورده است و تفرّدش در مقابل این همه ثقات و اثبات پذیرفته نمی‌گردد و زائده هرچند راوی ثقه‌ای می‌باشد و لیکن کسی عصمت دارد که خداوند تعالى وی را عصمت داده باشد و این، جزء خطاهای وی بوده است.

و علت اشتباه زائده ظاهراً قسمت آخر حدیثی است که کلب روایت کرده است؛ امام نسایی رحمته الله روایت کرده است:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ الْمَقْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ كُلَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ وَاثِلِ بْنِ حُجْرٍ قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَرَأَيْتُهُ يَرْفَعُ يَدَيْهِ، إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ حَتَّى يُجَاذِيَ مَنْكَبَيْهِ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعُ، وَإِذَا جَلَسَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ، أَضْجَعَ الْيُسْرَى، وَنَصَبَ الْيُمْنَى، وَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى، وَنَصَبَ إِصْبَعَهُ الدَّعَاءَةَ، وَوَضَعَ يَدَهُ الْيُسْرَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى قَالَ: «ثُمَّ أَتَيْتُهُمْ مِنْ قَابِلٍ فَرَأَيْتُهُمْ يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فِي الْبَرَانِسِ».

وائل بن حجر رحمته الله می‌گوید: به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفتم. دیدم که ایشان صلی الله علیه و آله هرگاه که شروع به نماز می‌کردند و به رکوع می‌رفتند دستانش را تا موازات شان‌اش بالا می‌بردند؛ و هرگاه در رکعت دوم می‌نشستند پای چپش را می‌خواباند و پای راستش را بلند نگه می‌داشت؛ و دست راستش را بر روی ران راست قرار می‌دادند و انگشتش را برای دعا کردن بالا می‌آوردند و دست

۱- نسایی (ش ۱۱۵۹) / ابن خزیمه (ش ۴۵۷) / حمیدی، المسند (ش ۸۸۵) / دارقطنی (ج ۱ ص ۲۹۰) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۳۹۸) / شافعی، المسند (ش ۸۵۲) / معجم الکبیر (ج ۲۲ ص ۴۰) / ابوداود (ش ۷۲۸) / طحاوی، شرح معانی الآثار (ج ۱ ص ۱۹۶) / احمد (ش ۱۸۸۴۷).

چپش را بر روی ران چپش قرار می‌دادند؛ سپس وائل گفت: روزی به نزد آن‌ها رفتم دیدم که در زیر لباس‌هایشان (از شدت سرما) ^۱ رفع یدین می‌کنند. و در قسمت آخر حدیث آمده که «يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فِي الْبِرَاسِ» و این توهم برای زائده ایجاد گردیده که انگشتان سبابه را هم همینطور تکان می‌دادند، لذا این لفظ را همچنانکه گفتیم برخلاف چهارده نفر از راویان دیگر و ثقات آورده است؛ و باید به نکته‌ای دیگر هم اشاره کنیم و اینکه این عبارت «يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فِي الْبِرَاسِ» مربوط به رفع یدین می‌باشد و نه سبابه چرا که انگشت سبابه را تحریک می‌کنند و نه «ترفیع یدی» و در آخر همین حدیث هم آمده که «... أَيْدِيَهُمْ» و نگفته که «اصبعه» پس قطعاً منظور از این قسمت «يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فِي الْبِرَاسِ» رفع یدین در هنگام رکوع و سجود بوده که خود زائده بن قدامة هم آن را روایت کرده است و در اول همین حدیث هم آمده است «فَرَأَيْتُهُ يَرْفَعُ يَدَيْهِ، إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ حَتَّى يُحَازِي مَنْكِبِيهِ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ» ولی به اشتباه، این توهم در مورد انگشت سبابه برای وی ایجاد گردیده، مخصوصاً اینکه در احادیث صحیح آمده که پیامبر ﷺ با سبابه اشاره می‌نموده و با توجه به قسمت آخر حدیث، وی به اشتباه این روایت را نقل کرده است.

دلیل دوم) امام بیهقی رحمته الله روایت می‌کند:

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّافِعِيُّ بِبَعْدَادَ ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ، ثَنَا الْوَاقِدِيُّ، ثَنَا كَثِيرُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ

۱- صحیح، بیهقی، سنن کبری (ش ۲۳۹۸) / معجم الکبیر (ج ۲۲ ص ۴۰) / دارقطنی (ج ۱ ص ۲۹۰) / احمد (ش ۱۸۸۴۷) / حمیدی، المسند (ش ۸۸۵) / شافعی، المسند (ش ۸۵۲).

عُمَرَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَحْرِيكُ الْأَصْبُعِ فِي الصَّلَاةِ مَذْعَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ».

عبدالله بن عمر رضی اللہ عنہما می گوید که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «تکان دادن انگشت در نماز شیطان را به ترس و لرز درمی آورد».

اما این حدیث واهی می باشد، چرا که مدارش بر محمد بن عمر واقدی است که متروک الحدیث می باشد؛ و امامان بخاری و مسلم و ابن حجر و ابوزرعه و ابوحاتم و عبدالله بن نمیر و عبدالله بن مبارک و اسماعیل بن زکریا و عقیلی و ابوبشر دولابی گفته اند که «متروک الحدیث» می باشد و امامان احمد و اسحاق بن راهویه و نسایی و بندار و ابوحاتم در روایتی گفته اند که «کذاب می باشد» و امام شافعی می گوید: «کتابهای واقدی همه دروغ هستند»، امام ذهبی می گوید: «بر وهن واقدی اجماع شکل گرفته شده است» امام یحیی بن معین گفته است که «ضعیف، و فی روایة لیس بشيء و فی روایة لیس بثقة» امام دارقطنی می گوید: «ضعف وی در احادیثش واضح می باشد» امام ابن عدی می گوید: «احادیثش غیر محفوظ می باشد و همه آنها هم به خاطر واقدی است». امام حاکم ابواحمد می گوید: «ذاهب الحدیث است» امام علی بن مدینی گفته که «عنده عشرون ألف حدیث: یعنی ما لها أصل» و در روایتی گفته که «ابراهیم بن ابی یحیی فرد کذابی است، ولی با این وجود از واقدی بهتر است» امام نسایی در روایتی دیگر می گوید: «لیس بثقة» و عده ای هم از وی تعریف کرده اند، اما

۱- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۹۰۰) / رویانی، السمند (ج ۲ ص ۴۲۳) / ابن عدی، الكامل (ج ۶ ص ۲۴۲).

در مقابل جرح این همه حاکمان و حافظانِ حدیث، مشخص می‌گردد که آنان وی را نشناخته‌اند.^۱

دلیل سوم) امام ابن عدی رحمته روایت می‌کند:

حَدَّثَنَا^۲ أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَرَّارُ، قَالَ: تَنَا سُرَيْجُ بْنُ التُّعْمَانِ، قَالَ: تَنَا عُثْمَانُ بْنُ مِقْسَمٍ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مَرْثَدٍ عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُو هَكَذَا وَبَسَطَ شُرَيْحَ كَفِّهِ الْيُسْرَى وَقَالَ يَأْضِبُهُ الْيُمْنَى يُحَرِّكُهَا السَّبَابَةَ».

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ می‌گوید که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را دیدم که اینطور دعا می‌کردند... و شریح بن نعمان اینطور شرح داد که کف دست چپش را باز کردند و انگشت سبابه دست راستشان را تکان می‌دادند.

اما این حدیث قابل استناد نمی‌باشد، چرا که:

اولاً: راویش عثمان بن مقسم می‌باشد که متروک الحدیث می‌باشد، امامان یحیی قطان و عبدالله بن المبارک و ابوحاتم و نسایی و دارقطنی گفته‌اند که «متروک» امام احمد می‌گوید: «حدیثه منکر» امام جوزجانی می‌گوید: «کذاب» امام یحیی بن معین می‌گوید: «لیس بشيء، و از کسانی است که به کذاب بودن و وضع حدیث معروف می‌باشد» امام ابن عدی

۱- ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۹ ص ۳۶۳) / ابن حجر، تقریب التهذیب (ش ۶۱۷۵) / بخاری، التاريخ الكبير (ج ۱ ص ۱۷۸) / ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل (ج ۸ ص ۲۰) / ابن حبان، المجروحین (ج ۲ ص ۲۲۶) / ابن عدی، الکامل (ج ۶ ص ۲۴۱) / عقیلی، الضعفاء (ج ۴ ص ۱۰۷) / ذهبی، میزان الاعتدال (ج ۳ ص ۶۶۲) / خطیب بغدادی، تاریخ بغداد (ج ۳ ص ۳) / ابونعیم، الضعفاء (ش ۲۳۶).

۲- ابن عدی، الکامل (ج ۵ ص ۱۵۷).

می‌گوید: «اکثر احادیثش از نظر سندی و متنی هیچ متابعه‌ای ندارد و خیلی خطا می‌کند و با وجود ضعفش احادیثش نوشته می‌گردد» امام عمرو بن علی فلاس می‌گوید: «فرد صدوق و بدعتگذاری بوده که در روایت حدیث زیاد اشتباه می‌کرده»^۱.

ثانیاً: همچنانکه در روایت می‌بینیم این قسمت «يُحَرِّكُهَا السَّبَّابَةُ» سخن شریح بن نعمان می‌باشد که با شش واسطه آن را شرح می‌دهد، اگر یک واسطه هم در میان بود از وی قبول نمی‌گردید، چرا که شرح کسی معتبر است که خود شاهد ماجرا باشد؛ حال وی شرح داده در حالی که شش واسطه از وی تا پیامبر ﷺ فاصله دارد حکمش که معلوم است!!!

دلیل چهارم) امام احمد رحمته روایت می‌کند:

حَدَّثَنَا^۲ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو أَحْمَدَ الزُّبَيْرِيُّ، حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ نَافِعٍ قَالَ: كَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ إِذَا جَلَسَ فِي الصَّلَاةِ وَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ، وَأَتْبَعَهَا بَصَرَهُ، ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْهِ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْحَدِيدِ، يَعْنِي السَّبَّابَةَ».

۱- ابن عدی، الکامل (ج ۵ ص ۱۵۵) / بخاری، التاریخ الکبیر (ج ۶ ص ۲۵۲) / ابن ابی حاتم، الجرح والتعدیل (ج ۶ ص ۱۶۷) / نسایی، الضعفاء و المتروکین (ش ۴۱۹) / دارقطنی، سوالات حاکم (ش ۲۶۰) / ذهبی، میزان الإعتدال (ج ۳ ص ۵۶) / عقیلی، الضعفاء (ج ۳ ص ۲۱۷) / ابن حبان، المجروحین (ج ۲ ص ۲۵).

۲- احمد (ش ۶۰۰) / بزار (ش ۵۹۱۷) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۴۲) / ابن عساکر، تاریخ دمشق (ج ۵۰ ص ۲۱).

سندش حسن می‌باشد، چرا که رجال حدیث «ثقة» هستند به جز کثیر بن زید^۱ که صدوق و حسن الحدیث می‌باشد و گاهی خطا می‌کند. اما به این حدیث برای حرکت دادن انگشت سبابه در نماز، نمی‌توان استناد نمود، چرا که در حدیث آمده: «أَشَارَ بِإِصْبَعِهِ» و در لغت اگر بگویند: «فردی با انگشت سبابه به چیزی اشاره می‌کند» همه اینگونه می‌فهمند که وی انگشت سبابه‌اش را روبه‌روی آن چیز نموده است، اما تکان دادن آن فهمیده نمی‌شود؛ و همچنین در لغت عرب اشاره کردن چیزی غیر از تکان دادن می‌باشد و نباید اشاره کردن را بر تکان دادن حمل نمود، مگر اینکه قرینه‌ای داشته باشیم و در اینجا هم قرینه‌ای موجود نمی‌باشد و لذا برای تکان دادن آن باید حدیثی باشد که آن را اثبات نماید، چرا که تکان دادن زائد بر اشاره کردن است.

و آنجا که پیامبر ﷺ فرموده: «برای شیطان از آهن سخت‌تر است» به «سبابه» برمی‌گردد و نه به «تکان دادن»؛ چرا که ضمیر «أَلْهِي» مؤنث می‌باشد و به سبابه که مؤنث است برمی‌گردد و نه به تحریک که مذکر می‌باشد. و زمانی که فرد انگشت سبابه‌اش را بالا می‌آورد و به توحید و یکتایی خداوند اقرار می‌کند، این اقرار است که برای شیطان از آهن سخت‌تر است.

احادیث دیگری هم از صحابه و تابعین روایت گردیده که هیچکدام قابل استناد نمی‌باشد، چرا که در همه آن‌ها آمده که «أَشَارَ بِإِصْبَعِهِ» یا «بِئِصْبَعِهِ» و... و بحث اشاره شدن گردیده و نه تکان دادن انگشت (خوب دقت گردد).

۱- ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۸ ص ۴۱۳) / ذهبی، الکاشف فی من له روایة فی الکتب الستة (ش ۴۶۳۱).

دلایل تکان ندادن انگشت سبّابه هنگام تشهد

اما دلیلی که در مورد عدم تحریک انگشت سبّابه در تشهد به آن استناد شده، روایتی است که امام بیهقی رحمته الله روایت می کند:

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْخَافِضُ، حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّعَائِنِيُّ، حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ يَعْقُوبَ، حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ: أَخْبَرَنِي زِيَادٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ ذَكَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ «يُشِيرُ بِأَصْبُعِهِ إِذَا دَعَا لَا يُحَرِّكُهَا».

عبدالله بن زبیر رحمته الله می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه دعا می نمودند با انگشت سبّابه اشاره می نمودند و آن را تکان نمی دادند.

تمام راویان این حدیث «ثقة» می باشند، و فقط محمد بن عجلان قرشی اندکی خطا می کند؛^۲ لیکن این قسمت از حدیث «لَا يُحَرِّكُهَا» مدرج و سخن محمد بن عجلان می باشد، چرا که همین حدیث روایتی مانند:

محمد بن عجلان^۳، عثمان بن حکیم^۱، عمرو بن دینار^۲ و زیاد بن سعد^۳ از عامر بن عبدالله بن زبیر (رحمة الله عليهم) نقل می کنند؛ و همچنین از خود محمد بن عجلان ثقات دیگری مانند:

۱- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۷) / طرانی، الدعاء (ش ۶۳۸).

۲- ابن حجر، تهذیب التهذیب (ج ۹ ص ۳۴) / ابن حجر، تقریب التهذیب (ش ۶۱۳۶) / بخاری، التاریخ الکبیر (ج ۱ ص ۱۹۶) / ابن ابی حاتم (ج ۸ ص ۴۹) / ابن حبان، الثقات (ج ۷ ص ۳۸۶) / عجلی، معرفة الثقات (ج ۲ ص ۳۸۶).

۳- مسلم (ش ۱۳۳۶) / نسایی (ش ۱۲۷۵) / ابن خزیمه (ش ۷۱۸) / ابن حبان (ش ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴) / ابونعیم، المستخرج علی مسلم (ج ۲ ص ۱۸۰) / دارقطنی (ج ۱

لیث بن سعد^۴، یحیی بن سعید قطان^۵، سفیان بن عیینه^۶، زیاد بن سعد^۷ و ابو خالد احمر^۸ نقل کرده‌اند و فقط در طریقی که «زیاد بن سعد از محمد بن عجلان از عامر بن عبدالله»^۹ روایت کرده این زیاده را دارد و سایر راویان این قسمت «لَا يُجْرِكُهَا» را روایت نکرده‌اند و همگی فقط گفته‌اند که «... و أشار بالسبابة» از طرفی زیاد بن سعد به نزد عامر بن عبدالله بن زبیر (رحمة الله علیهم) می‌رود و مستقیماً حدیث را از خود عامر بن عبدالله می‌شنود، ولی زمانی که عامر آن را برای وی تعریف می‌کند، این زیاده «لَا يُجْرِكُهَا» را روایت نمی‌کند^{۱۰}، پس مشخص می‌گردد که محمد بن عجلان این حدیث را

- ص ۳۴۹ / بزار (ش ۲۲۰۶ و ۲۲۰۵ و ۲۲۰۴) / حمیدی، المسند (ش ۸۷۹) / ابن ابی شیبہ (ج ۲ ص ۳۶۹) / عبد بن حمید، المسند (ش ۹۹) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۴ و ۲۹۰۲ و ۲۸۹۷) / احمد (ش ۱۶۱۰۰/۲) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۸).
- ۱- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۳) / ابوداود (ش ۹۹۰) / ابن خزیمه (ش ۶۹۶) / ابونعیم، المستخرج علی مسلم (ج ۲ ص ۱۷۹).
- ۲- بزار (ش ۲۲۰۴) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۸) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۸).
- ۳- حمیدی، المسند (ش ۸۷۹).
- ۴- مسلم (ش ۱۳۳۶) / ابونعیم، المستخرج علی مسلم (ج ۲ ص ۱۸۰).
- ۵- ابن حبان (ش ۱۹۴۴) / نسایی (ش ۱۲۷۵) / ابن خزیمه (ش ۷۱۸) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۹۰۲) / بزار (ش ۲۲۰۶) / احمد (ش ۱۶۱۰۰/۲).
- ۶- حمیدی، المسند (ش ۸۷۹).
- ۷- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۷) / بزار (ش ۲۲۰۵) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۸).
- ۸- ابن ابی شیبہ (ج ۲ ص ۳۶۹) / عبد بن حمید، المسند (ش ۹۹) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۴) / مسلم (ش ۱۳۳۶) / دارقطنی (ج ۱ ص ۳۴۹) / ابن حبان (ش ۱۹۴۳).
- ۹- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۷) / بزار (ش ۲۲۰۵) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۸).
- ۱۰- حمیدی، المسند (ش ۸۷۹).

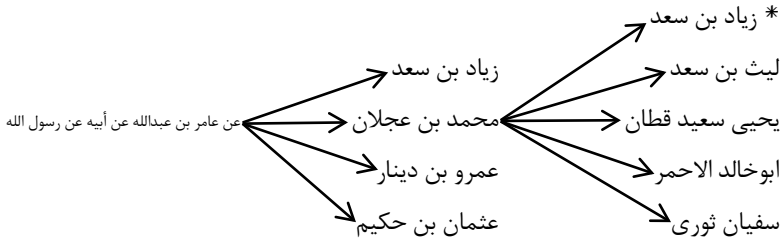
برای لیث بن سعد، یحیی بن سعید قطان، سفیان بن عیینه، زید بن سعد و ابو خالد احمر بدون این زیاده «لَا يُحْرَكُهَا» روایت نموده، ولی هنگامی که آن را برای زیاد بن سعد روایت می‌کند لفظ «لَا يُحْرَكُهَا» را برای شرح قسمت «أشار بالسبابة» برای زیاد بن سعد آورده و برای زیاد بن سعد توضیح نداده و تفکیک نکرده که این قسمت از حدیث سخن خود اوست و زیاد بن سعد هم همینگونه آن را برای ابن جریح نقل کرده^۱، ولی زمانی که زیاد بن سعد به نزد عامر بن عبدالله می‌رود و مستقیماً حدیث را از خود عامر می‌شنود، دیگر آن زیاده را نقل نکرده و برای سفیان بن عیینه بدون آن زیاده روایت کرده است:

حَدَّثَنَا^۲ الْحَمِيدِيُّ قَالَ: ثنا سُفْيَانُ، قَالَ: ثنا زِيَادُ بْنُ سَعْدٍ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَجْلَانَ، أَنَّهُمَا سَمِعَا عَامِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ يُحَدِّثُ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّهُ «رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ هَكَذَا» وَقَبَضَ الْحَمِيدِيُّ أَصَابِعَهُ الْأَرْبَعَةَ وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ.

به نکته‌ای هم باید اشاره کنیم و اینکه عده‌ای از علمای معاصر اشتباه را به زیاد بن سعد نسبت داده و نه محمد بن عجلان؛ هرچند در هر صورت حدیث ضعیف می‌گردد، ولی چون زیاد بن سعد «ثقه‌تر» از محمد بن عجلان می‌باشد، لذا بهتر است اشتباه را به محمد بن عجلان نسبت دهیم و بگوییم که وی دوگونه حدیث را روایت کرده است، برای زیاد بن سعد اشتباهاً با آن زیاده و برای دیگران بدون آن زیاده حدیث را نقل کرده است:

۱- بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۷) / بزار (ش ۲۲۰۵) / طبرانی، الدعاء (ش ۶۳۸).

۲- حمیدی، المسند (ش ۸۷۹).



پس مشخص می‌گردد که لفظ «لَا يُحْرَكُهَا» سخن خود محمد بن عجلان می‌باشد و اصل حدیث اینگونه می‌باشد که امام مسلم رحمته روایت کرده است:

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ، حَدَّثَنَا لَيْثٌ، عَنِ ابْنِ عَجْلَانَ، ح قَالَ: وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ - وَاللَّفْظُ لَهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو خَالِدٍ الْأَحْمَرُ، عَنِ ابْنِ عَجْلَانَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَعَدَ يَدْعُو، وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى، وَيَدَهُ الْيُسْرَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى، وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ السَّبَابَةِ، وَوَضَعَ إِبْهَامَهُ عَلَى إِصْبَعِهِ الْوُسْطَى، وَيُلْقِمُ كَفَّهُ الْيُسْرَى رُكْبَتَهُ».

عبدالله بن زبیر رحمته می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه (در نماز) می‌نشستند و دعا می‌کردند، دست راستش را روی ران راست و دست چپش را روی ران چپش قرار می‌دادند و با انگشت سبابه اشاره می‌کردند و انگشت ابهامش را

۱- مسلم (ش ۱۳۳۶) / نسایی (ش ۱۲۷۵) / ابن خزیمه (ش ۷۱۸) / ابن حبان (ش ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴) / ابونعیم، المستخرج علی مسلم (ج ۲ ص ۱۸۰) / دارقطنی (ج ۱ ص ۳۴۹) / بزار (ش ۲۲۰۶ و ۲۲۰۵ و ۲۲۰۴) / حمیدی، المسند (ش ۸۷۹) / ابن ابی شیبہ (ج ۲ ص ۳۶۹) / عبد بن حمید، المسند (ش ۹۹) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۴ و ۲۹۰۲) / احمد (ش ۲ / ۱۶۱۰۰).

بر انگشت وسطش قرار می‌دادند و کف دست چپش را روی زانویش قرار می‌دادند.

پس فهمیدیم که روایت شده پیامبر ﷺ با انگشت سبابه اشاره کرده‌اند، اما بعضی از راویان آن را شرح داده و گفته‌اند: «... لَا يُحْرُكُهَا» و بعضی دیگر گفته‌اند: «... يُحْرُكُهَا».

اما اکنون کدامیک صحیح می‌باشد: تکان دادن انگشت سبابه در تشهد و هنگام دعاخواندن نماز؛ و یا تکان ندادن آن؟

قول راجح این است که تکان ندادنش صحیح می‌باشد و نباید در تشهد آن را تکان دهیم؛ چرا که

اولاً: همچنانکه دیدیم روایت صحیحی در مورد تکان دادنش در تشهد نداریم.

ثانیاً: در روایات صحیحی که آمده لفظ اشاره کردن با سبابه «أَشَارَ بِإِصْبَعِهِ السَّبَابَةِ» می‌باشد و در لغت اگر بگویند: «فردی به چیزی با انگشت سبابه اشاره می‌کند» همه اینگونه می‌فهمند که وی انگشت سبابه‌اش را روبه‌روی آن چیز نموده است؛ اما از اشاره کردن با انگشت سبابه، تکان دادن آن فهمیده نمی‌گردد؛ و از طرفی اشاره کردن و تکان دادن باهم متفاوت هستند و نمی‌توان اشاره کردن را بر تکان دادن حمل نمود، مگر اینکه قرینه‌ای داشته باشیم و در اینجا هم قرینه‌ای موجود نمی‌باشد، و تکان دادن چیزی زائد بر اشاره کردن است و برای آن هم باید دلیل داشته باشیم؛ لذا باید ما هم بر طبق لغت عرب و آیات و احادیث صحیح به تفسیر آیات الله ﷻ و احادیث رسول الله ﷺ بپردازیم و نه اینکه با توجه با قرینه‌های مانند احادیث شاذ و متروک به تأویل آن‌ها بپردازیم.

پس اشاره کردن، همان بلندکردن انگشت سبابه می‌باشد و نه تکان دادن آن؛ چرا که اولاً: اصل اشاره کردن با سبابه به معنی روکردن انگشت سبابه به آن چیز است و ثانیاً: امام عبدالرزاق رحمته الله علیه هم با اسناد صحیح از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند:

أخبرنا 'عَبْدُ الرَّزَّاقِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ نَافِعٍ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا جَلَسَ فِي الصَّلَاةِ وَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، وَرَفَعَ أُصْبُعَهُ الَّتِي تَلِي الإِبْهَامَ فَدَعَا بِهَا، وَيَدُهُ الْيُسْرَى عَلَى رُكْبَتِهِ بِأَسْطِهَا عَلَيْهِا».

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در تشهد نماز می‌نشست، دست راستش را بر روی رانش قرار می‌داد و انگشت سبابه‌اش را بلند می‌کرد و با آن دعا می‌کرد و دست چپش را روی ران چپش قرار می‌داد.

و در اینجا می‌بینیم که عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به جای «أَشَارَ بِأُصْبُعِهِ» لفظ «رَفَعَ أُصْبُعَهُ» را به کار برده است، که این را می‌رساند که بلندکردن همان اشاره کردن است.

و در همان حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه که در ابتدا مورد بررسی قرار دادیم در بعضی طرُقش به جای «أَشَارَ بِأُصْبُعِهِ» لفظ «رَفَعَ أُصْبُعَهُ» آمده است: امام ابن ابی شیبہ رحمته الله علیه با اسناد صحیح روایت می‌کند:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ كُثَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ، قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاضِعًا أَحَدَ مِرْفَقَيْهِ الْأَيْمَنَ عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى، وَحَلَّقَ بِالْإِبْهَامِ وَالْوُسْطَى وَرَفَعَ الْيَمِينِ تَلِي الْإِبْهَامِ يَدْعُو بِهَا».

وائل بن حجر رضی اللہ عنہ می گوید: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را دیدم که آرنج راستش را روی ران راستش قرار داده و انگشت ابهام و وسطی را باهم حلقه کرده بودند؛ و انگشت سبابه اش را بالا آورده و با آن دعا می کردند.

زمان اشاره کردن با انگشت سبابه در تشهد

اما زمان اشاره کردن با انگشت سبابه در تشهد، همان ابتدای نشستن و خواندن تحیات می باشد، اما اینکه در بین علما مشهور شده که هنگام گفتن لا إله إلا الله آن را بالا می آورند از نظر روایی دلیل صحیح ندارند، و تنها دلیل شان این است که می گویند: اشاره با سبابه نشان توحید است، لذا باید هنگام شهادتین بالا آورده شود.

اما باید بگوییم: آیا اگر فردی همان ابتدا دستش را به عنوان توحید بالا بیاورد، نشان توحید نمی باشد یا چیزی از وی کم می گردد؟ ثانیاً با عموم احادیثی که نشان می دهد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در همان اول نشستن با انگشت سبابه اشاره می کردند و آن را بلند می کردند چه کار می کنند؟ پس بالا آوردن سبابه در همان ابتدا هم نشان توحید است؛

۱- ابن ماجه (ش ۹۱۲) / ابن حبان (ش ۱۹۴۵) / ابن خزيمه (ش ۷۱۳ و ۷۱۴) / نسایی (ش ۱۲۶۸) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۹) / معجم الکبير (ج ۲۲ ص ۳۳) / دارمی، (ش ۱۳۵۷) / ابن ابی شيبه (ج ۲ ص ۳۶۹ ص ۱۱۰) / احمد (ش ۱۸۸۷۰).

امام مسلم رحمته روایت می‌کند:

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ، حَدَّثَنَا لَيْثٌ، عَنِ ابْنِ عَجْلَانَ، ح قَالَ: وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ - وَاللَّفْظُ لَهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو خَالِدٍ الْأَحْمَرِيُّ، عَنِ ابْنِ عَجْلَانَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَعَدَ يَدْعُو، وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى، وَيَدَهُ الْيُسْرَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى، وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ السَّبَابَةِ، وَوَضَعَ إِبْهَامَهُ عَلَى إِصْبَعِهِ الْوُسْطَى، وَيُلْقِمُ كَفَّهُ الْيُسْرَى رُكْبَتَهُ».

عبدالله بن زبیر رحمته می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه (در نماز می‌نشستند) و دعا می‌کردند دست راستش را روی ران راست و دست چپش را روی ران چپش قرار می‌دادند و با انگشت سبابه اشاره می‌کردند و انگشت ابهامش را بر انگشت وسط و کف دست چپش را روی زانویش قرار می‌دادند. و هنگام اشاره کردن با انگشت سبابه فقط باید به انگشت سبابه نگاه کرد و تا آخر نماز هم باید آن را بالا نگه داشت؛ چرا که امام نسایی رحمته با اسناد صحیح روایت کرده است:

۱- مسلم (ش ۱۳۳۶) / نسایی (ش ۱۲۷۵) / ابن خزیمه (ش ۷۱۸) / ابن حبان (ش ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴) / ابونعیم، المستخرج علی مسلم (ج ۲ ص ۱۸۰) / دارقطنی (ج ۱ ص ۳۴۹) / بزار (ش ۲۲۰۶ و ۲۲۰۵ و ۲۲۰۴) / حمیدی، المسند (ش ۸۷۹) / ابن ابی شیبه (ج ۲ ص ۳۶۹) / عبد بن حمید، المسند (ش ۹۹) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۸۹۴ و ۲۹۰۲) / احمد (ش ۲ / ۱۶۱۰۰).

أَخْبَرَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِبرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا يَحْيَى، عَنِ ابْنِ عَجْلَانَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «كَانَ إِذَا قَعَدَ فِي التَّشْهُدِ، وَضَعَ كَفَّهُ الْيُسْرَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى، وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ لَا يُجَاوِزُ بَصْرَهُ إِشَارَتَهُ».

عبدالله بن زبیر رضی اللہ عنہما می گوید: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هرگاه برای تشهد می نشست کف دست چپش را روی ران چپ قرار می داد و با انگشت سبابه اشاره می کرد و نگاهش از انگشتش تجاوز نمی کرد و چشمش فقط به انگشت سبابه اش بود.

پس کل مطلب ما این گردید که هنگام نشستن برای تشهد: در همان ابتدا انگشت سبابه را بالا می آوریم و بدون تکان دادنش تا آخر نماز، به آن نگاه می کنیم.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

۱- نسایی (ش ۱۲۷۵) / ابن خزیمه (ش ۷۱۸) / ابن حبان (ش ۱۹۴۴) / بیهقی، سنن کبری (ش ۲۹۰۲) / ابوداود (ش ۹۹۲) / ابویعلی، المسند (ش ۶۸۰۷) / احمد (ش ۲ / ۱۶۱۰۰).

فهرست منابع و مآخذ

- ١- القرآن الكريم.
- ٢- ابن ابي حاتم، عبدالرحمن بن ابوحاتم محمد بن إدريس الرازى، الجرح والتعديل، بيروت، دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، ١٣٧١هـ.
- ٣- ابن ابي شيبة، عبدالله بن محمد بن ابي شيبة، المصنف، تعليق: سعيد اللحام، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ هـ.
- ٤- ابن جارود، عبدالله بن علي بن الجارود النيشابورى، المنتقى من السنن المسندة، تحقيق: عبدالله عمر البارودي، بيروت، مؤسسة الكتاب الثقافية، الطبعة الأولى، ١٣٨٦ هـ.
- ٥- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد البستي، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب أرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ١٤١٤ هـ.
- ٦- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد البستي، الثقات، تحقيق: سيد شرف الدين أحمد، دارالفكر، الطبعة الأولى، ١٣٩٥.
- ٧- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد البستي، المجروحين، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، حلب، دار الوعى، بى تا.
- ٨- ابن حجر، أحمد بن على بن محمد ابن حجر العسقلانى، تقريب التهذيب، حلب، طبعة دار الرشيد، الطبعة الأولى، ١٤٠٦ هـ.
- ٩- ابن حجر، أحمد بن على بن محمد بن حجر العسقلانى، تهذيب التهذيب، هند، دائرة المعارف النظامية، الطبعة الأولى، ١٣٢٦ هـ.

- ۱۰- ابن خزیمه، محمد بن إسحاق، صحیح، تحقیق: محمد مصطفیٰ اعظمی، بیروت، المكتب الإسلامي، ۱۳۹۰ هـ.
- ۱۱- ابن عدی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد الجرجانی، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق: یحییٰ مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ هـ.
- ۱۲- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، بیروت، دارالفکر، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ هـ.
- ۱۳- ابن ماجه، محمد بن یزید القزوينی، سنن، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۱۴- ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ۱۵- أبونعیم، أحمد بن عبدالله إصفهانی، الضعفاء، تحقیق: فاروق حمادة، دار الثقافة - الدار البيضاء، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵ هـ.
- ۱۶- أبو نعیم، أحمد بن عبدالله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الهراني الأصبهاني، المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم، تحقیق: محمد حسن محمد حسن إسماعيل الشافعي، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ هـ.
- ۱۷- ابویعلیٰ، أحمد بن علی بن المثنی الموصلي، المسند، تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴.
- ۱۸- أحمد حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال الشيباني، المسند، تحقیق: شعيب ارنؤوط و آخرون، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۴۲۰ هـ.
- ۱۹- بخاری، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، تحقیق: سيد هاشم ندوی، دارالفکر، بی تا.

- ٢٠- بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع المسند الصحيح، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ١٤٢٢ هـ.
- ٢١- بزار، ابوبكر أحمد بن عمرو بن عبدخالق، المسند، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله، بيروت - المدينة، مؤسسة علوم القرآن ومكتبة العلوم والحكم، ١٤٠٩ هـ.
- ٢٢- بيهقي، ابوبكر أحمد بن الحسين، السنن الكبرى وفي ذيلة الجوهر النقى، حيدرآباد هند، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة، الطبعة الأولى، ١٣٤٤ هـ.
- ٢٣- ترمذى، محمد بن عيسى الترمذى، الجامع الصحيح السنن، تحقيق: أحمد محمد شاكر و آخرون، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.
- ٢٤- حميدى، عبدالله بن الزبير أبو بكر الحميدى، المسند، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت، القاهرة، دار الكتب العلمية، مكتبة المتنبى، بى تا.
- ٢٥- خطيب بغدادى، ابوبكر أحمد بن على بن ثابت، تاريخ بغداد، بيروت، دار الكتب العلمية، بى تا.
- ٢٦- دار قطنى، على بن عمر البغدادى، السنن، تحقيق: سيد عبدالله هاشم يمان، بيروت، دار المعرفه، ١٣٨٦ هـ.
- ٢٧- دار قطنى، على بن عمر البغدادى، سؤالات الحاكم النيسابورى للدار قطنى، تحقيق: موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، الرياض، مكتبة المعارف، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ هـ.
- ٢٨- دارمى، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن، تحقيق: فواز أحمد زمردى و خالد السبع العلمى، بيروت، دار الكتاب العربى، الطبعة الأولى، ١٤٠٧ هـ.
- ٢٩- ذهبى، شمس الدين محمد بن أحمد، الكاشف لمن له رواية في الكتب الستة، تحقيق: محمد عوامه أحمد محمد نمر الخطيب، جدة،

- دار القبلة للثقافة الإسلامية مؤسسة علوم القرآن، الطبعة الأولى، ١٤١٣ هـ.
- ٣٠- ذهبى، شمس الدين محمد بن أحمد، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، تحقيق على محمد البجاوى المجلد الأول، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
- ٣١- رويانى، ابوبكر محمد بن هارون، المسند، تحقيق: ايمن على ابو يمانى، القاهرة، مؤسسة قرطبة، ١٤١٦ هـ.
- ٣٢- شافعى، محمد بن ادريس، المسند، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
- ٣٣- طبرانى، سليمان بن احمد، الدعاء، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى، ١٤١٣ هـ.
- ٣٤- طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى، الموصل، مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ هـ.
- ٣٥- طحاوى، أحمد بن محمد بن سلامه بن عبدالملك بن سلمه، شرح معانى الآثار، تحقيق: محمد زهرى النجار، بيروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٣٩٩ هـ.
- ٣٦- طياليسى، سليمان بن داود بن الجارود، المسند، تحقيق: محمد بن عبدالمحسن تركى، دار هجر، الطبعة الأولى، ١٤١٩ هـ.
- ٣٧- عبد بن حميد، ابو محمد عبد بن حميد بن نصر، المسند، تحقيق: صبحى البدرى السامرايى و محمود محمد خليل الصعيدى، قاهره، مكتبة السنة، ١٤٠٨ هـ.
- ٣٨- عبد الرزاق، ابوبكر بن عبدالرزاق بن همام الصنعانى، مصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت، المكتب الإسلامى، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ هـ.

- ٣٩- عجلي، أحمد بن عبدالله بن صالح أبو الحسن العجلي الكوفي، معرفة الثقات، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، المدينة المنورة، مكتبة الدار، الطبعة الأولى ١٤٠٥ هـ.
- ٤٠- عجلي، الضعفاء الكبير، محمد بن عمر بن موسى، تحقيق: عبدالمعطي امين قلجعي، بيروت، دار المكتبة العلمية، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ هـ.
- ٤١- مسلم، مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، الجامع الصحيح، بيروت، دار الجيل و دار الآفاق الجديده، بي تا.
- ٤٢- نسايب، أحمد بن شعيب، الضعفاء والمتروكين، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، حلب، دار الوعي، الطبعة الأولى، ١٣٦٩ هـ.
- ٤٣- نسايب، أحمد بن شعيب، المجتبي من السنن، تحقيق: عبدالفتاح ابوغدة، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية، الطبعة الثانية، ١٤٠٦ هـ.